

پیش‌خوان

«قصه هویدا»

در آیینه یک بازپوهی تاریخی

تملق‌گویی، محافظه‌کاری و عوام‌فریبی

■ **شاهد توحیدی**



اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به بازپوهی زندگی امیرعباس هویدا، از چهره‌های کلیدی رژیم گذشته پرداخته است. این تحقیق از سوی ابراهیم ذوالفقاری انجام شده و مؤسسه

مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، به انتشار آن همت گماشته‌است. تارنمای ناشر در معرفی این کتاب، به نکات بی‌آمده اشرار برده است: «در بین دولتمردان رژیم پهلوی، امیرعباس هویدا از معدود افرادی است که در طی ۳۰سال و اندی حضور در مصادر مختلف اداری و سیاسی پیشینه‌خانوادگی خویش سخن نگفت. اولین‌باری که از گذشته‌تاریخی خاندان هویدا سخن به میان آمد، زمانی بود که او در کابینه‌حسنعلی منصور، منصبی وزارت دارایی شد. در این زمان مشخص شد پدربزرگ وی، میرزافاقان، از بهائیان مخلص عباس‌افندی است. هویدا پس ازتحصیل در بلژیک، به اشتغال در صلیب سرخ این کشور درآمد. از جمله مشاغلی که وی تا پایان عمر منصبی آن بود، چنین اعلام شده است: دبیر نمایندگی شاهنشاهی ایران، منشی وزیر امور خارجه، کارمند سازمان ملل و رئیس قسمت روابط کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در ژنو، مستشار سفارت شاهنشاهی در آنکارا، معاون رئیس هیئت‌مدیره شرکت نفت، وزیر دارایی و نخست‌وزیر. از جمله خصایلی که برای وی بر شمارده‌اند، عبارت است از: غریب‌زدگی، تحمل‌گرایی، تملق‌گویی، رفیق‌بازی، زیرکی، عوام‌فریبی، محافظه‌کاری و عیاشی. وی سرانجام در بانزدهم مرداد ۱۳۵۶ و پس از اهزار و ۵۲۷روز،

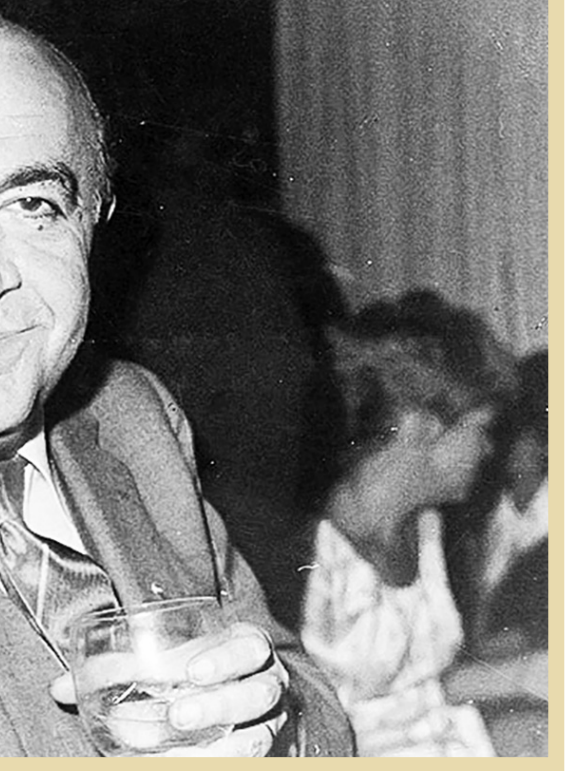


امیرعباس هویدا در حال دست‌بوسی محمدرضا پهلوی

از نخست‌وزیر استعفاداد و صندلی صدارت را به رقیب دیرینه‌خویش، یعنی جمشید آموزگار واگذاشت. کودتایی که امیرعباس هویدا انتظار آن را می‌کشید، با درایت امام خمینی (ره) خنثی شد و فرای آن روز انقلاب به پیروزی رسید. در این حال، وی به دست نیروهای مردمی افتاد و سرانجام در ۱۸ فروردین ۱۳۵۸، به اعدام محکوم شد. از جمله دست‌نشانده ایرانیکا و انگلیس در حمایت از منافع ملی امنیت و استقلال کشور با تشکیل کابینه‌های استعمارگرایان، اقدام بر ضد حاکمیت ملی، عزل و نصب وزرا و فرماندهان به خواست سفارتخانه‌های خارجی، واگذاری منابع زیرزمینی هم‌چون نفت، مس، اورانیوم به بیگانگان و… کتاب حاضر نیز به است بر زندگی، اقدامات و سرانجام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر سابق ایران که به همراه تصاویر و دست‌نوشته‌هایی از وی به چاپ رسیده است…»

ابراهیم ذوالفقاری نویسنده «قصه هویدا»، در اظهار نظری پیرامون معتقدات وی، آورده است: «هویدا کیشی فراتر از بهائیت داشت. بهایی‌تشیکیاتی مانند دیگر احزاب است که اعضای دارد و کارهایی را برای اهداف خاصی انجام می‌دهد. هویدا فراتر از بهائیت است، کما اینکه شخصیت‌هایی را در تاریخ معاصر پهلوی ایران داریم، که در رده بالای فراماسونری هستند و در این تشکیلات، ردپایی از آنان پیدا نمی‌کنید!عباس میلائی کتاب قتلوری نوشت که در آن تلاش کرد تا در کنار حقایق تاریخی و البته جعل تاریخی بگوید که هویدا بی‌دین است و بهایی نیست! چراکه بهائیت در کشور ما منقرض است. عباس میلائی تلاش کرد، تا این نسبت را پاک کند. اینکه بخواهیم بگوییم امیرعباس هویدا بهایی بود، پس بد است، نه، باید گفت که بهایی بودن او خیلی مهم نیست. او بالاتر از تشکیلات بهایی ایستاده است و باید آن را ببینیم. تشکیلات بهایی، یک تشکیلات دست‌زاست استعمار است. آن کسانی که این تشکیلات را به وجود آوردند، در زمان‌های مختلف با شرایط مختلف آن راه اداره می‌کنند. یک روز با رهبری فردی و یک روز با ایجاد رهبری گروهی و تشکیلاتی مثل بیت‌العدل آن را اداره کردند. آنها اشخاصی را پیدا می‌کردند که خیلی راحت بتوانند با آنان تشکیلات داشته باشند، بدون اینکه این آدم در جلسات حزبی و تشکیلاتی برود…»

منابع



امیرعباس هویدا، **روایت چاکری و صدراعظمی**

سوءاستفاده‌های مالی آقای نخست‌وزیر در آیینه اسناد ساواک

عده‌ترین عواملی که باعث استحکام و ثبات ایشان در نخست‌وزیری شده، همین روابط عمومی گسترده می‌باشد، به طوری که در مراسم عروسی، تولد یا سایر جشن‌ها، برای تمامی مقامات اعم از داخلی یا خارجی، هدایای بسیار نفیس و گران‌قیمت تهیه و ارسال می‌دارد و شایع است که ایشان در هر بیمارستان نیز عواملی دارد و به محض اینکه یکی از مقامات حساس مملکتی به بیمارستان اعزام شود، بلافاصله سیدگلی از طرف ایشان تهیه و فرستاده می‌شود.».

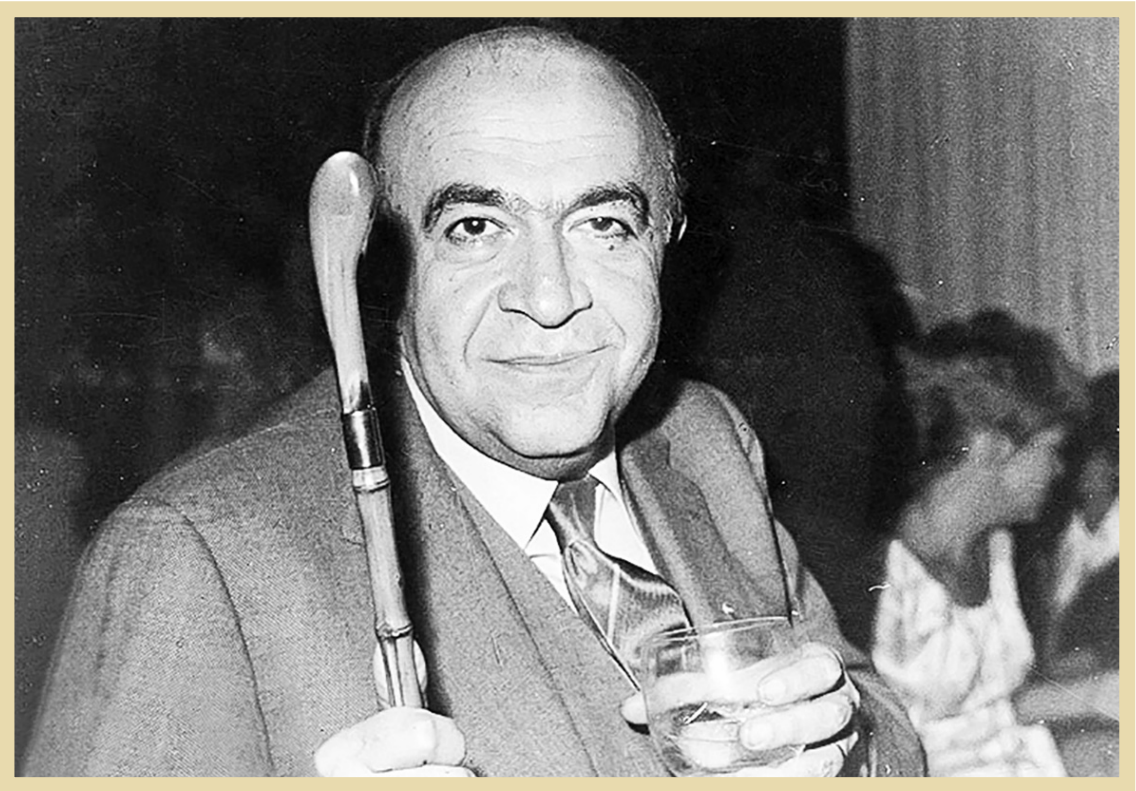
■ **اختلاس‌های نخست‌وزیر و اطرافیانش**

در تبلیغات جماعت موسوم به سلطنت‌طلب در سالیان اخیر، تلاش شده تا امیر عباس هویدا به عنوان فردی پاکدست و درستکار معرفی شود، در حالی که اسناد «سازمان اطلاعات و امنیت کشور» حکایتی دگر دارد و اینک از منافع اذکاره کل اسناد داخلی ساواکی، به بیمارستان اعزام می‌باشد که طرف‌ایشان تهیه و فرستاده می‌شود.».

■ **تعدادی عقیده دارند که خود ایشان، مستقیماً در امر سوءاستفاده‌ی شرکت داشته باشند** و گفته می‌شود از طریق دوستان و اقوام نزدیک خود که در رأس کارهای حساس می‌باشند، مبادرت به سوءاستفاده می‌نمایند. ضمناً موضوع سوءاستفاده‌های بدالله شهبازی، معاون اسبق نخست‌وزیر در امور تعاون، ریزژد عام و خاص است و اکثراً معتقدند، نامبرده بدون نظر آقای نخست‌وزیر، حتی آب نمی‌خورد.

۳- تعدادی عقیده دارند که ایشان انحراف جنسی دارد و بعضاً افراد نزدیک به ایشان، به طور ضمنی گاهگاه موضوع را تأیید می‌نمایند.مضافاً در نخست‌وزیری شایع بود که خانم هویدا روابط جنسی نزدیک با آقای پرویز راجی، مشاور مخصوص نخست‌وزیر و سفیر شاهنشاه آریامهر داشته است.

۴- از نقطه نظر روابط عمومی، به جرئت می‌توان اظهارنظر نمود که در بوروکراسی ایران کمتر چهره‌ای تا به حال دیده شده که به حد آقای هویدا به این مسئله توجه داشته باشند و گفته می‌شود، یکی از



سوءاستفاده‌های مالی آقای نخست‌وزیر در آیینه اسناد ساواک

یک اتومبیل نیز ۲۸۰ تا دو نفر راننده نخست‌وزیری، در اختیار ایشان قرار دارد.

نظریه سه‌شنبه: شبه قابل اعتماد است و گزارشش قابل بررسی است.

■ **سند دوم: هزینه‌های آقای نخست‌وزیر**

در چندماهه گذشته، هزینه میهمانی‌های خصوصی و اداری نخست‌وزیر به قدری افزایش یافته که واقعا سرسام آور می‌باشد و در دوماهه گذشته در هر هفته کمتر ششی بوده که چند نفر میهمان خصوصی نداشته باشد و یکی از اقلام بسیار کلان مخارج و هزینه کادو و هدایای کریسمس می‌باشد که برای دیپلمات‌های مقیم تهران و خبرنگاران خارجی و دوستان خصوصی فرستاده می‌شود و برای مثال در چند هفته‌اخیر، فقط ۲۰۰ کیلو خواربار قرار قبلی کیلویی ۵۰۰ تومان، کادو داده شده است. **نظریه سه‌شنبه:** گزارش قابل بررسی است.

نظریه چهارشنبه: مراتب فوق منسبوق به سابقه می‌باشد.

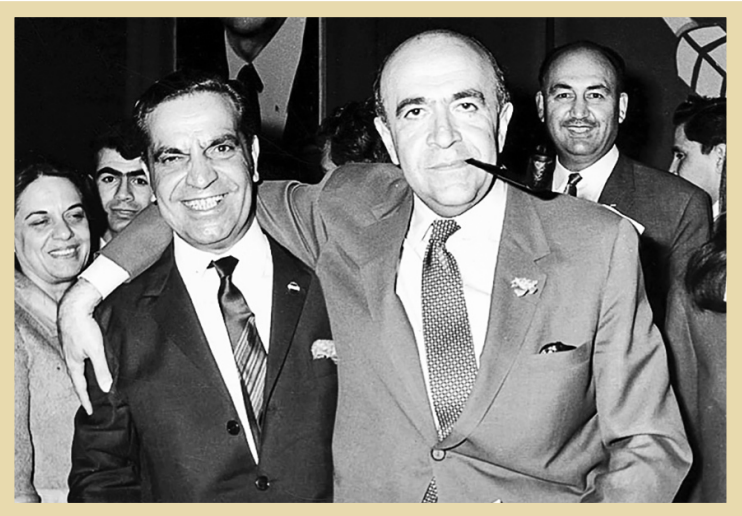
■ **سند سوم: چک صد میلیونوی آقای روز کاری هویدا**

به طوری که در نخست‌وزیری شنیده می‌شود، آقای هویدا چندساعت قبل از تغییر سمت و استعفا از سمت خود، چکی به مبلغ ۱۰۰ میلیون تومان باامضای خود در وجه دفتر مخصوص علیاحضر شهبانو، صادر نموده است و چک از قرار معلوم از سوی آقای کاشفی وصول و به امیرعباس هویدا تحفه یک هویدا خوب بوده است، گزارش می‌شود، چند سسند از پرونده او، به قرار ذیل است:

■ **«سنادلر گل‌فروشی مدرن همسر هویدا، از محل بودجه نخست‌وزیری**

خانم لیلایامی، همسر سابق نخست‌وزیر برای پرورش گل، گلخانه‌ای در کرج تأسیس نموده که به‌طور کلی تأسیسات ساختمان و وسایل مربوط به آن، بدون هم‌گر و به عنوان نخست‌وزیری وارد شده و از نظر فنی و غیره نیز تمامی پرسنل فنی نخست‌وزیری به خصوص آقای مصطفی بهرامی، تکنیسین برق، در هفته دوالی سه روز در گلخانه خانم مزبور انجام وظیفه می‌نمایند. قسمت عمده فعالیت‌های گلخانه، با نیروی انسانی و بودجه نخست‌وزیری و هدایت می‌شود. در حالی که خانم امامی هر سید گل را از ۴۰۰الی هزارو ۵۰۰تومان به نخست‌وزیری می‌فروشد و در ایام نوروز و کریسمس، متجاوز از ۲۵۰ هزار تومان پول گل به ایشان پرداخت می‌شود و جای تأسف است موقعی که صورتحساب از سامان گل به کارپرداز نخست‌وزیری می‌رسد، هیچ‌کس جرئت ندارد که روی فاکتور بررسی نماید و در مدت یک ساعت، چک سامان گل آماده می‌شود. (ضمناً

نظریه سه‌شنبه: اظهارات نامبردگان به احتمال قوی صحت دارد و این پرونده‌هایی بوده که به طریق مختلف



دو هفته ۴۰ امیرعباس هویدا در حاشیه یکی از مراسم‌ها

منابع

در تبلیغات جماعت موسوم به سلطنت طلب، تلاش می‌شود تا امیر عباس هویدا به عنوان فردی پاکدست و درستکار معرفی شود، در حالی که اسناد «سازمان اطلاعات و امنیت کشور » حکایتی دگر دارد! یکی از مواردی که در پرونده ساواک او به چشم می‌خورد، مسائل مربوط به سوءاستفاده‌های مالی او و اطرافیانش می‌باشد که به دست یکی از منابع ساواک که سطح دسترسی اش به اخبار و تحولات حلقه یک هویدا خوب بوده است، گزارش می‌شود

در آن سوءاستفاده شده یا دستوراتی برخلاف قوانین و مقررات صادر شد. **نظریه سه‌شنبه:** شبیه شخص مطلع و صالحی است.»

■ **چینش کابینه‌های ماسون**

ساواک اما درسندهی به تاریخ اردیبهشت ۱۳۵۲، پرده از گرایشات ماسونی اغلب وزرای کابینه هویدا برداشته است. آنچه این نهاد امنیتی در سبایه خود قید کرده، بی‌نیاز از هرگونه تفسیر می‌نماید:

۱-امیرعباس هویدا- لژ تهران -نخست‌وزیر
۲- امحمود اقوام صدی- لژ افروغی] - وزیر مشاور

۳-نصیر عصار -لژ اژدارک - معاون نخست‌وزیر
۴- حسن زاهدی - لژ اهواز - وزیر کشور
۵- منوچهر پرتو - لژ کوروش - وزیر دادگستری
۶- مجید رهنما - لژ تهران - وزیر علوم و آموزش عالی

۷- فتح‌الله ستوده - لژ اژدارک - وزیر پست و تلگراف و تلفن

۸- مهرداد پهلبد - لژ کوروش - وزیر فرهنگ و هنر

۹- ایرج حدیدی - لژ خیام - وزیر کشاورزی

۱۰- جواد منصور - لژ کوروش - وزیر اطلاعات

۱۱- هوشنگ انصاری - لژ خیام -وزیر اقتصاد».

■ **دوره پرتوی جوی بهائیان!**

صرف نظر از اسناد موجود درباره و ابستگی امیرعباس هویدا به فرقه بهائیت، پیمایش‌های ساواک در محافل سیاسی و فرهنگی نیز نشان می‌داد اغلب معتقدند وی و خاندانش به این آئین گرایش دارند. به عنوان نمونه، خیرچین ساواک در مورخه ۱۳/۱۱/۴۳، از جلسه منعقد در منزل زنده یاد دکتر محمود حسایی، اینگونه گزارش داده است:

«پیش از ظهر روز جمعه ۴۳/۱۱/۱۶، جلسه منزل دکتر محمود حسایی با شرکت عده‌ای از طبقات مختلف از جمله: روح‌الله ثابت، محتشمی (داماد) دکتر محمود حسایی، شجاع‌شفتی (عضو فرهنگ) و علی جدلی (مدیر کل امور همکاری‌های وزارت فرهنگ) تشکیل شد. در این جلسه دکتر محمود حسایی، ضمن انتقاد از عباس هویدا (نخست‌وزیر) اظهار می‌داشت: هویدا! پسر عین‌الملک از مبلغین بهایی است و خود او نیز بهایی می‌باشد و اضافه شد: بدین ترتیب در وضع موجود، اوضاع به نفع بهایی‌ها تغییر کرده است. دکتر حسایی ادامه داد: در کابینه عباس هویدا، مهندس روحانی نیز بهایی است، دکتر حسایی همچنین در مورد سابقه معاشرت همشهره خانم نخست‌وزیر مرحوم با عباس هویدا معلوم نیست، آیا واقعا مبلغ مذکور به حساب مزبور واریز شده یا خیر؟»

نظریه سه‌شنبه: احمد کاشفی، ر‌آزاد و محرم آقای هویدا ومدت ۱۵سال مسئول مالی نخست‌وزیر بوده وامکان‌آثر این فعل و انفعالات مالی وارد است و هم‌اکنون در وزارت دربار، کارهای مالی آقای هویدا به وسیله وی انجام می‌پذیرد. و محرمانه که نخست‌وزیر سابق، آقای هویدا در مخارج خود برداشت نموده باشند. **نظریه سه‌شنبه:** شبیه شخص صادق واطلاعی است و خبر فوق را در محیط کار خود شنیده است. **سند چهارم: پرونده‌های بازنگشته**
برابر اظهارات خصوصی آقای محمد بیگ‌ری، رئیس اداره حفاظت نخست‌وزیری و همچنین عبدالمجید قنوتی، مسئول امور بایگانی محرمانه، تعدادی از پرونده‌های به کلی سری و محرمانه که نخست‌وزیر سابق، آقای هویدا در گاو صندوق اتاق خود نگهداری می‌کرده را به بایگانی محرمانه عودت نداده و با احتمال قوی به منزل خود یا جای امن‌تری منتقل نموده‌اند.

نظریه سه‌شنبه: اظهارات نامبردگان به احتمال قوی صحت دارد و این پرونده‌هایی بوده که به طریق مختلف

در مورد شایعات، نمی‌توان قضاوت صحیح کرد.».

■ **بی‌بروایی نخست‌وزیر از اشتراک به فساد اخلاقی**

هویدا در جامعه و افکار عمومی، مشهور به انحراف جنسی بود. این امر از آن روی برای وی و حکومت شاه به مثابه یک نقطه ضعف قلمداد می‌شود که در پیشینه دینی، فرهنگی و حتی سیاسی ایران، اثری از چنین پدیده‌ای نمی‌توان یافت. این رویکرد، دهان کجی آشکار به هویت مردمان این مرزومو قلمداد می‌شد طیبیه چراغی، پژوهشگر تاریخ معاصر ایران، در این قفره آورده است:

«امیرعباس هویدا، شخصاً همجنس‌گرا بود و این مطلب نه تنها در میان خواص درباری، بلکه در سطح جامعه نیز شهرت داشت. او هیچ‌گونه تلاشی برای پنهان نگه داشتن این مسئله نداشت و حتی در برخی موارد، گرایشات هموسکسوالیتنه خود را به نمایش می‌گذاشت! محمدرضا پهلوی از این

جوان

امر به خوبی مطلع بود، ولی به آن اهمیتی نمی‌داد و ابقای چنین نخست‌وزیری، عمق تباهی اخلاقی شاه و وابستگان او اوج بی‌اعتنایی آنان را به کرامت انسانی و ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه نشان می‌دهد. بی‌میلاتی هویدا در ارتباطات اوده‌اش، موجب بروز سسر و صدایی در افکار عمومی شد و موضوع به قدری جدی شد که زعمای مملکت چاره خروج از این بحران را، از دواج وی تشخیص دادند. او هیچ‌گونه رغبتی به ازدواج نداشت و زیر فشارهای سیاسی، تن به یک ازدواج مصلحتی داد و با لیلی امامی، خواهرزن دوست دیرین‌اش منصوره، ازدواج کرد. لیلی امامی، زنی مقتدر و خراف بود و چندی پیش، در پاریس درگذشت. لیلی امامی و هویدا از دوران جوانی یکدیگر را می‌شناختند، اما آنها واقعا هیچ‌گاه ازدواج نکردند، بلکه در حقیقت لیلی امامی حاضر شد برای نجات هویدا از این موقعیت، فداکاری کند. به هر صورت زندگی مشترک این دو، چندان دوام نیاورد و در سال ۱۳۵۰ و پنج سال پس از ازدواج‌شان، به متراکه انجامید. علت طلاق لیلی از هویدا، ر انحرافات اخلاقی هویدا عنوان کرده‌اند. اسکندر دلد، نویسنده کتاب زندگی و خاطرات

هویدا می‌گوید که فریدون هویدا طی نامه‌ای به نویسنده عنوان می‌کند که شایعات مربوط به فساد اخلاقی برادرش که در نهایت منجر به طلاق لیلی امامی از برادرش شد، ساخته و پرداخته دشمنان سیاسی اوست. او می‌گوید، در سفری که لیلی همراه اشرف پهلوی به چین رفته بود، با اشرف درگیر می‌شود و اشرف در بازگشت به تهران، از هویدامی‌خواهد یا همسرش را طلاق بدهد، یا از صدارت استعفا دهد و هویدا هم لیلی را طلاق داده است!اینکه برادر هویدا موضوع انحراف اخلاقی او را ساخته دشمنان سیاسی‌اش می‌داند، اصلاً پذیرفته نیست. چه اینکه خود هویدا نیز این مسئله را کتمان نمی‌کرد و همچنین در میان خواص درباری نیز شایع بود. در ضمن اسناد ساواک نیز بر این امر صحه می‌گذارد. دعوای بین اشرف و لیلی هم صحت ندارد، چراکه با خصوصیاتی که اشرف داشت، هیچ‌کس جرئت نمی‌کرد در برابر اشرف ابراز وجود کند، چه برسد به اینکه با او درگیر شود…»

■ **در نقد «حماسه نگاری» عباس میلائی برای هویدا**

کتاب «همعای هویدا» به قلم عباس میلائی، از نخستین تلاش‌ها برای سفیدشویی کارنامه امیرعباس هویدا، در دهه‌های اخیر به شمار می‌رود. به باور بسا ومنتقدان، آثاری از این دست، به نوعی تحمیق مخطایی به شمار می‌رفت که دوران صدارت نامبرده و پیامدهای آن را از نزدیک لمس کرده بودند. زنده یاد دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، پژوهشگر و نویسنده‌امداد معاصر، در این باره نقدی به قلم آورد که بخش‌هایی از آن به شرح زیر است: «کتاب معمای هویدا، تألیف آقای دکتر عباس میلائی، بر سرخوانده‌ترین کتاب این چند ماهه اخیر بوده است. نویسنده به این خیل کنجگان و پیوستیم و آن را از دست به امانت گرفتیم و خواندیم. بهتر بود که این کتاب حساسه هویدا نامیده می‌شد! زیرا نویسنده بازیری و ساده‌دلی، با هر دو، خواسته است نخست‌وزیر سابق را به پیشین‌را از قالب یک خدمتگزار تکام و یک شهید جلوه دهد. گفتم زیرکی، برای آن که همه ششویه‌های باوراندن کتاب، در آن به کار رفته. ساده‌دلی، برای آن که خواننده ایرانی را خیلی زودبویز ویی خیر انگاشته. مادر اینجا قصد نداریم، به بررسی جزئیات کتاب بپردازیم. موضوعی که یک برهه از تاریخ ایران را در بر می‌گیرد، فراتر از این شمه‌ای می‌رود. امیردیار در جلد چهارم روزها، شمه‌ای از حکایت این دوران را – که ناظر آن بوده‌ایم – بر قلم آوریم. در اینجا، فقط یک نگاه بر محتوای کلی کتاب می‌افکنیم. از سبتی که در مورد نوشتن آن به کار رفته، حرفی نمی‌زنیم، زیرا آن رانمی‌دانیم. همین اندازه می‌گوییم که کار مهمی در پیش گرفته شده است زیرا انتخاب هویدا به عنوان نخست‌وزیر ایران، آن هم به مدتی چنین درازی، یکی از شگفتی‌های قرن بود. اگر نتوانیم یک انقلاب را زیر با هیچ یک از موازین نسبی ایران، خوانایی نداشت. وقتی کتاب را می‌بیند، آنچه به شما القا شده است، آن است که یک چنین نخست‌وزیر مترقی‌ای می‌خواست ایران را ترو تازه کند، ولی سیستم نگذاشت! در نهایت خانم مقصر است و خلاصه این نخست‌وزیر از سر شاه و ملت، در روزیاد بوده است!از اینکه کتاب فوکاژ شده است، وقت بر سر آن گذارده شده، ذکرهاخذ گردیده، سفرهای متعدد با خرج‌های گزاف صورت گرفته و مصاحبه‌های طولانی با افراد صاحب خیر انجام یافته و – البته برای آن که بی‌طرفی کتاب مورد تردید قرار نگیرد- انتقادهای خردورزی هم از قلم‌نویفته‌ها برادر در حال انسان کامل وجود ندارد.

هویدایی که از این کتاب بیرون می‌آید، شخصیتی است مردمی زیرا خودش پشت پیکان می‌نشیند، متجدد و زبان‌دان - زیرا سه زبان خارجی را بهتر از فارسی حرف می‌زند- روشنفکر زیرا آندره ژید و آشال آ بولدر و اجیمز آ جویس و سایر پیشروان ادب مدرن را می‌شناسد و با صادق هدایت سلام و علیک داشته، بسیار نظیف زیرا هر روز حمام می‌رفته. خلاصه سیاست و عقل را با لطافت طبع و عاشق پیشگی همراه داشته. با این توصیف چه کسی در تاریخ ایران از این جامع‌تر سراغ دارید که بر کرسی صدارت ایران تکیه زده باشد؟ ظاهراً بافت کتاب به گونه‌ای است که خواسته است بعضی از کسانی که آن زمان سیگار و نیتون را به ۳۵ریال می‌خریدند و اکنون آن را به ۵هزار ریال می‌خرند، تحت تأثیر قرار بگیرند. البته ممکن است تعدادی از این گونه اشخاص، با جوانانی که آن دوران را در ک نکرده‌اند، از ریشه‌های خیر فرض شوند، ولی وجدان تاریخی ایران چه طور؟ آیا می‌شود آن را به رغم حوادث، به خواب‌رفته‌انگاشت؟…»